



تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	تاریخ	۱۴۰۳ / ۰۸ / ۱۲
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم			
عنوان ۲	تفسیر سوره «حمد»			
عنوان ۳	مطلب اول: اسامی سوره حمد و تفسیر آنها ❖ ۱. فاتحة الكتاب ➤ ترتیب فعلی قرآن کریم، ترتیبی الهی ❖ ۲. حمد ❖ ۳. اُمّ الكتاب			

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين

تفسیر سوره «حمد»

بحث ما در مقدمات تفسیر به پایان رسید. از این جلسه به بعد، یاری خدای متعال و توسل به ذیل عنایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، به تفسیر سوره حمد می پردازیم. برای ورود به تفسیر این سوره، لازم است مباحثی را به عنوان مقدمه، مطرح کنیم؛ لذا در این مقدمه به سه مطلب می پردازیم:

مطلب اول: در اسماء سوره حمد (الفاتحه) و تفسیر این اسامی؛

مطلب دوم: در فضیلت سوره حمد و جایگاه این سوره مبارکه در بین سوره قرآنی؛

مطلب سوم: درباره خواص دنیوی و اخروی این سوره؛ چنان که در روایات وارده از معصومین علیهم السلام برای ما گفته شده.

مطلب اول: اسامی سوره حمد و تفسیر آنها

۱. فاتحة الكتاب

اولین اسمی که از اسماء سوره حمد، بحث می کنیم، «فاتحة الكتاب» است که گاهی اختصاراً به صورت «الفاتحة» گفته می شود. وجه تسمیه سوره الفاتحه یا سوره فاتحة الكتاب، روشن است و آن، اینکه چون افتتاح کتاب خدا و اولین سوره قرآن کریم، همین سوره مبارکه است. این نام، نامی است که خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای آن، ذکر فرموده نه اینکه بعدها چنین نامی بر آن نهاده شده باشد. روایات متعددی نیز شاهد بر این مدعاست:

❖ روایتی که مرحوم صدوق در «امالی» و «عیون»: «یاسناده عن امیر المؤمنین علیه السلام قال فی حدیث:» در ضمن حدیثی فرمود:

«سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ»؛

که در سوره «حجر» آمده است؛

«فَأَفْرَدَ الْاِمْتِنَانَ عَلَيَّ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ»؛

خداوند فرموده است که ما با دو چیز بر تو منت نهادیم یکی «مثنای» (سوره فاتحه) و دیگری قرآن عظیم؛ یعنی سوره فاتحه چنان اهمیت دارد که خدای متعال «أفرد الامتنان عليّ بفاتحة الكتاب»؛ یعنی امتنان به فاتحه الكتاب را در برابر مثنی که در نزول همه قرآن عظیم بر من نهاد، قرار داد و در برابر آن، فاتحه الكتاب را به من عنایت فرمود و منت گذاشت و این نشان دهنده میزان اهمیت این سوره نزد خدای متعال است؛

«فَأَفْرَدَ الْاِمْتِنَانَ عَلَيَّ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَجَعَلَهَا بِإِزَاءِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ»؛

خدا فرمود در کنار قرآن عظیم، به تو فاتحه الكتاب را دادیم؛

«وَإِنَّ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أَشْرَفُ مَا فِي كُنُوزِ الْعَرْشِ ...»؛^۱

فاتحه الكتاب، شریف ترین چیزی است که در گنجینه های عرش الهی وجود دارد. این نشان می دهد که این سوره یک بخش از گنجینه های الهی و شریف ترین بخش آنهاست.

❖ در بین محدثین اهل سنت، «مسلم» روایت می کند: «یاسناده عن ابن عباس قال:

«بَيْنَمَا جِبْرِيلُ قَاعِدٌ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، سَمِعَ نَقِيضًا مِنْ فَوْقِهِ، فَرَفَعَ رَأْسَهُ، فَقَالَ:

جبرئیل در حضور نبی اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بود که در این اثناء، صدایی از آسمان بر روی سرشان شنیده شد. «نقیض» در اینجا معنای معروفش همان «مخالف و منافی» است؛ اما یک معنای دیگر هم دارد و به صوتی که از احتکاک دو جسم، حاصل می شود هم نقیض می گویند. گاهی به صوت برخی از حیواناتی که مثل اصطکاک دو چیز به همدیگر است، نقیض گفته می شود؛ مثل «نقیض الضفدع» یعنی صدای قورباغه که گویا دو چیز به هم اصابت کرده اند. پس این روایت، چنین معنا می دهد که صدایی شبیه صدای خوردن دو جسم به همدیگر، در آسمان روی سرشان شنیدند و جبرئیل، سرش را به طرف آسمان، بلند کرد و به رسول اکرم صلی الله علیه و آله عرضه داشت:

«هَذَا بَابٌ مِنَ السَّمَاءِ فُتِحَ الْيَوْمَ لَمْ يُفْتَحْ قَطُّ إِلَّا الْيَوْمَ»؛

این صدایی که شنیدی، صدای دری از آسمان بود که باز شد و تاکنون گشوده نشده بوده؛

«فَنَزَلَ مِنْهُ مَلَكٌ»؛

یک فرشته از این دربی که باز شد، نازل گردید.

«فَقَالَ: هَذَا مَلَكٌ نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ لَمْ يَنْزَلْ قَطُّ إِلَّا الْيَوْمَ»؛

جبرئیل به حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد: این فرشته ای است که تاکنون فرود نیامده بوده است و این نخستین بار است که فرود می آید.

«فَسَلَّمَ، وَقَالَ:»

این فرشته، خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله سلام عرض کرد و گفت:

«أَبَشِّرْ بِنُورَيْنِ أُوتِيَتْهُمَا لَمْ يُوْتَهُمَا نَبِيٌّ قَبْلَكَ».

شما را مژده باد به دو نوری که خدا به شما عنایت فرمود و تاکنون به هیچ پیامبری، عنایت نکرده است! اما این دو نور چیستند؟

«فَاتِحَةُ الْكِتَابِ، وَخَوَاتِيمُ سُورَةِ الْبَقَرَةِ».

شاهد بحث ما در این روایت و روایت قبلی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود، این است که سوره حمد را «فاتحة الكتاب» نامید. عبارت روایت قبل، این بود که: «فَأَقْرَدَ الْإِمْتِنَانَ عَلَىٰ يَفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَجَعَلَهَا بِإِزَاءِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ» و رسول اکرم صلی الله علیه و آله از سوره حمد به «فاتحة الكتاب» تعبیر کردند. در این روایت هم این ملک، نام «فاتحة الكتاب» را در حضور رسول اکرم صلی الله علیه و آله می گوید. پس این اسم در زمان خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر این سوره، نهاده شده و از سوی خدا هم تعیین گردیده است. «فَاتِحَةُ الْكِتَابِ، وَخَوَاتِيمُ سُورَةِ الْبَقَرَةِ»؛ این دو نور، یکی فاتحة الكتاب است و دیگری آیه آخر سوره «بقره» و دعاهای آن سوره است که می گوید:

«... رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ».

اینها خواتیم سوره البقره است.

«لَنْ تَقْرَأَ بِحَرْفٍ مِنْهُمَا إِلَّا أُعْطِيَتهُ»؛

ظاهراً «حرف» در اینجا به معنای ادبی در مقابل اسم و فعل نیست؛ بلکه مراد از آن، بخشی از این خواسته ها یا کلمه ای از آنچه در این خواتیم سوره البقره یا سوره حمد آمده است. خلاصه اینکه مراد از روایت، این است که: اگر یک مطلب یا یک کلمه از آنچه در سوره الفاتحه و آنچه در خواتیم سوره البقره آمده، بخوانی، خدای متعال حتماً دعا و خواسته تو را اجابت خواهد فرمود. هیچگاه هیچ یک از این خواسته هایی را که در این سوره الحمد آمده - و از «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» تا آخر سوره را شامل می شود- و خواتیم سوره البقره که «رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا» تا آخر سوره است، از خدا نمی خواهی، مگر اینکه خدای متعال آن را به تو عطا می کند.

در این روایت نیز چنان که ملاحظه شد، از سوره حمد به «فاتحة الكتاب» تعبیر شده، آن هم به زبان ملکی که بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله نازل گردیده. پس این نام، نامی نیست که بعدها بر این سوره، گذاشته شده باشد؛ بلکه از همان ابتدا بر زبان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و هم زمان با وحی الهی، از سوی خدا چنین نامیده شده است.

❖ روایت مرحوم صدوق در «امالی» و «عیون»: «قال یاسناده إلى امیر المؤمنین علیه السلام:

«قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَخْبَرَنَا عَنْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، أَهِيَ مِنْ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ؟».

از حضرت امیر علیه السلام سؤال شد: آیا این بسمله یا آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» جزئی از سوره فاتحه الکتاب است؟
«فَقَالَ: نَعَمْ، كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم يَقْرَاهَا وَيَعُدُّهَا آيَةً مِنْهُ»؛

فرمود: آری، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این بسمله را می خواند و آن را جزء همین سوره به شمار می آورد.
در آینده خواهیم گفت که مسأله «بسم الله الرحمن الرحيم» یکی از مسائل بسیار مهمه ای است که شعار خط صحیح جامعه اسلامی در زمان خودش بوده و منافقین و مخالفین، با این بسمله، بسیار مخالف بودند و لذا سعی کردند که آن را از سوره الحمد، حذف کنند.

طبق این روایت، حضرت امیر علیه السلام در ادامه فرمود:

«وَيَقُولُ: فَاتِحَةُ الْكِتَابِ هِيَ السَّبْعُ الْمَثَانِي»؛

در آیه هم آمده است که: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ»^۱.
پس طبق این روایت، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «فَاتِحَةُ الْكِتَابِ هِيَ السَّبْعُ الْمَثَانِي» و آن حضرت، آن را فاتحه الکتاب می خوانده و این اسم را بر این سوره نهاده است نه اینکه بعدها چنین نامی گرفته باشد.

ترتیب فعلی قرآن کریم، ترتیبی الهی

این، مطلب دیگری را هم ضمناً تأیید می کند که شاید به مناسبتی، این را بعداً بیشتر توضیح و تبیین کنیم؛ گرچه در مقدمه هم اشاره ای به مطلب کردیم که این قرآن با همین ترتیبی که امروز در دست ماست، ترتیبش ترتیب الهی است و به همین شکل هم در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم توسط آن حضرت، گفته و بیان شده که آغازش سوره فاتحه با بسمله آن است و پائانش هم سوره الناس. این خود، تأیید می کند که تنظیم سور قرآن کریمی که در دست داریم، بعداً درست نشده است. امروزه، برخی به هر دلیلی می گویند که قرآن را به ترتیب نزول وحی بچنینی؛ درحالی که این کار، غلط است؛ چون این ترتیب، یک ترتیب الهی است و نباید آن را از این ترتیب، خارج کرد. قرآن در آیات و سورش به همین ترتیبی که در دست ماست، توسط رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و با وحی الهی، تنظیم شده است؛ یعنی آیه نازل می شد و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود آن را در کجا قرار دهند و سوره را در کجا. این روایات هم مؤید همین است که سوره الحمد از ابتدا فاتحه الکتاب بوده و به وسیله خدا چنین نام گرفته است و در ابتدای قرآن کریم آمده نه این که بعدها به وسیله مسلمین، منظم شده باشد.

پس روشن شد که نخستین نام سوره حمد، فاتحه الکتاب است و این نام را خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دستور خدا بر این سوره نهاده است.

پرسشگر: از کجا مشخص می شود که چنین مطالبی، صحیح است؟

معظم له: طبق روایاتی است که به دست ما رسیده. دوست ما جناب آقای «یوسفی غروی (حفظه الله تعالی)» در «موسوعة التاريخ الإسلامی» به این امر پرداخته و یکی از امتیازات این کتاب، این است که در تنظیم تاریخ اسلام، زمان نزول هر آیه را براساس روایات، بیان کرده. اینها روایت است و البته همه این روایات هم روایات قویه ای نیستند که بتوانیم

۱. أمالی صدوق؛ ص ۱۷۵؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام؛ ج ۱، ص ۳۰۱.

۲. سوره حجر: ۸۷.

اطمینان به صدورشان داشته باشیم. ولی به هر حال، روایت است و می‌گوید این آیه در کجا نازل شده و این سوره در کجا. گاهی هم قرائنی دلالت بر صحت این روایت می‌کند و می‌توانیم اطمینان یابیم که این روایت، صحیح است؛ اما گاهی قرائنی نیست؛ اما به عنوان یک احتمال، مطرح است و در روایت، آمده؛ لذا اگر فرضاً روایت، از نظر فنی اصولی، صحیح هم نباشد، لا اقل، روایتی است که یحتمل صدقه.

۲. حمد

دومین نام این سوره، «حمد» است و به آن، «سورة الحمد» گفته می‌شود. دلیل این نام‌گذاری هم این است که بدایت این سوره بعد از بسمله، حمد خداست و می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و خدای متعال به ابلغ انواع الحمد، در این سوره، حمد گردیده. در آینده هم وقتی وارد تفسیر سوره شدیم، فرق بین «حمد»، «تسبیح» و «ذکر» را به توفیق الهی، بیان خواهیم کرد و خواهیم گفت که نکاتی در این میان، وجود دارد. از جمله این که حمد و تسبیح، هر دو، ذکر الهی‌اند و هریک بر دیگری امتیازاتی دارند.

مطلب دیگری که در آینده هم خواهیم گفت، این است که گاهی سور قرآنی به اسامی برخی از مطالبی که در آنها آمده، نامیده شده و باز هم این شیوه را خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله در زمان حیاتشان بنا نهادند. مثال این دست سوره، سوره البقره است که در ابتدا به صورت «السورة التي يذكر فيها البقرة»^۱ گفته می‌شده و بعد به تدریج، اختصاراً به سوره البقره، تغییر نام یافته است. سوره النمل و سوره الأنعام هم به صورت «السورة التي ذكر فيها الأنعام» یا «السورة التي ذكر فيها النمل» بوده‌اند. در خصوص سوره حمد نداریم که گفته باشند: «السورة التي ذكر فيها الحمد» و این، قرینه بر این است که «الحمد» یکی از اسامی این سوره است و به آن، عنایت شده و در روایات، از این سوره به سوره الحمد نیز تعبیر شده.

۳. أم الكتاب

نام سوم این سوره، «أم الكتاب» یا «أم القرآن» است که در جلسه آینده به وجه تسمیه آن به این نام‌ها می‌پردازیم؛ چون جوهری در تفسیر این تسمیه، وجود دارد، آنها را بحث می‌کنیم تا ببینیم کدام یک از آنها اصح است و یا همه آنها می‌توانند وجه این تسمیه باشند؟

و صلّى الله على محمد وآله الطاهرين

۱. «و عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أُعْطِيَتْ السُّورَةُ الَّتِي يَذْكُرُ فِيهَا الْبَقَرَةُ مِنَ الذِّكْرِ الْأَوَّلِ وَأُعْطِيَتْ طَه وَ الطَّوَّاسِينَ مِنَ الْوَحْيِ مُوسَى»؛ [تفسير كتر الدقائق؛ ج ۹، ص ۴۵۴].